

دست‌های سیاستی به تعریف عملی

✱ در دهه اخیر، خصوصاً در سالهای آخر دهه ۱۹۸۰، بخش عمده‌ای از مطالب و گزارش‌های مطبوعات جهان و شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی به نحوی با موضوع «پدیده زور به گسترش تروریسم» (۱) در ارتباط بوده است. اینکه «زور چیست» و «تروریسم چیست» محتاج بحث تفصیلی است که دامنه‌های حقوقی نیز دارد، اما این امر روشن است که «زور» به عنوان ابزاری سیاسی، توسط برخی از دولت‌ها و حتی گروه‌های و سازمان‌های غیردولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و پانسیه، مؤثر نیز هست.

غرب (عمر از دولت‌ها و دستگاه‌های ارتباط‌جمعی) معتقد است که تروریسم پدیده‌ای است و به گسترش که عموداً اهداف «یک‌جانبه» سهل الوصول را هدف می‌گیرد تا به مقاصد خود حمله عمل بپوشاند. اما واقعاً آیا این پدیده رو به گسترش است؟ اصولاً تعریف آن چیست؟ پتانسیل آن در سال ۱۹۸۳ تا حدی فراتر از آن تروریسم ارائه کرده است. ... استفاده غیر قانونی از زور و تهدید آمیز از زور و خشونت توسط یک گروه انقلابی علیه افراد یا دولتی آنها، به قصد واداشتن و یا محروم ساختن دولت‌ها و جوامع، غالباً به دلائل سیاسی یا ایدئولوژیک است.

وزارت خارجه آمریکا نیز تعریف زیر را در سال ۱۹۸۲ ارائه می‌دهد:
... خشونت عمدی نوأم با انگیزه سیاسی که علیه اهداف غیر نظامی توسط شهروندان درجه دوم که به دنبال سرحد و ششمنی سیاسی هستند و با عمل منفی کشورها، به کار گرفته می‌شود.

دلف. می. آی (۱۹۸۳).

... استفاده غیر قانونی از زور و خشونت علیه افراد و یا دارائی آنها، به قصد ارعاب یا اجبار یک دولت، یا شهروندان غیر نظامی و یا هر بخش از آن، به منظور پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی.

وزارت دادگستری ایالات متحده (۱۹۸۲):

... عمل جنایی خشونت آمیز ظاهراً به قصد ارباب و اجبار شهروندان غیر نظامی، ب- تحت نفوذ قرار دادن اقدام یک دولت از طریق محروم و مجبور ساختن و ج - تحت تأثیر قرار دادن اقدام یک دولت از طریق سرودن و آدم ربائی.

شورای امنیت ملی - آمریکا (۱۹۸۶):

... استفاده غیر قانونی یا تهدیدآمیز از قدرت افراد یا دارائی آنها، برای پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی. این امر معمولاً به قصد محروم ساختن یا واداشتن یک دولت، افراد یا گروه‌ها جهت تغییر و یا تعدیل اقدامات و سیاست‌ها انجام می‌گردد. به عقیده برخی از کارشناسان غربی، پدیده تروریسم، بنابر سه دلیل اساسی از دهه ۱۹۶۰ رونق گرفته و در سال‌های آخر همین دهه، به حد وسیع‌تری گسترش یافته است. پیروان این عقیده سه دلیل عمده را برای پیدایش زمینه خالصترین گروه‌ها، تروریسم می‌شناسند که عبارتند از: درگرونیهای وسیع تاریخی.

جایگاهی های ایدئولوژیک و پیشرفت‌های تکنولوژیک

الگوهای تاریخی

تا اواخر دهه ۱۹۶۰ این مسأله مشخص بود که جهان در زیر چتر یک بن بست هسته‌ای میان ابرقدرت‌ها قرار گرفته است یک کارشناس. در این زمینه می‌نویسد: «اکنون گروه‌ها و فرقه‌ها که مایلند با توسل به زور به هدفهای خود برسند، از این خطر آگاهند که حتی اگر دست به یک جنگ ستی غیرانسانی بزنند، چنین جنگی احتمالاً به آسانی می‌تواند به یک مداخله انسانی منجر شود بنابراین، دوران بن بست هسته‌ای باعث خشوعی گروه‌های است که در مجامع خود به شیوه‌هایی نظیر تروریسم متوسل می‌شوند که مداخلات آن‌ها را تسهیل و بطور بالقوه، تشریح زبانی به بار می‌آورد و باز هم به طور بالقوه، بسیار مؤثر است».

از طرف دیگر، استعمار اروپائی تاریخی به پایان عمر رسیده بود و شمار کثیری از کشورهای تازه استقلال یافته سربرآورده بودند و این کشورها تا کثیر بودند با مشکلات ناشی از دست و پنجه نرم کنند. فرضی از این کشورها، لقیات های تازم، دیکتاتوریدید، نیروهای پانس و رانش ده سنگ نیروهای اروپائی، به سرزمین برنشد. در سایر کشورها، سازمان‌های دانشجویی بر سرزمین‌های پدید آمدند که غالباً حکومت‌های استعماری آنها را خصوصاً از معین کرده بودند. نتیجه آن شد که قیام‌های چریکی و جنگ‌های خلیجی برافروخته شدند و غالباً شامل آن فعالیت‌ها که اصل تروریسم نامیده می‌شود نیز بود.

جایگاهی های ایدئولوژیک

در دوره اواخر دهه ۱۹۶۰ چنین تحول عمده مذهبی و سیاسی به وقوع پیوست. با ادغام اسلامی که ناشی از یک واکاوی خشونت‌ناز علیه غربی زدگی و تجدید گرایی بود جری مسلط بر پی آنچه که غرب آن را تروریسم شیعی می‌نامد پدید آورد.

جنگ و بی‌ثباتی کثیری از جوانان کشورهای توسعه یافته در سراسر جهان ربه «اروپاکالیسی» سوق داد. تا اواخر دهه ۱۹۶۰ برخی از این جوانان که به سبب این تأثیر بودند خشونت متوسل شدند و این باخاطر توان ساختن نظام مساوات‌طلبان صلح‌پسند و امن جایی بودند. ایدئولوژی‌های مارکسیست - لنینیستی روی آوردند و به نهفتن های زیرزمینی پیوستند و «تروریسم» را پیش خود ساختند.

از سوی دیگر، تکنولوژی اطلاعاتی، به نحوی غیرمتوسط به نفع گروه‌های مخفی منظمه استفاده از خودتوان تمام شده است. درهائی که وسایل تکنیکی منبع آوری اطلاعات (مشاوره، مخابراتی، ماهواره‌ای و وسائل مخابراتی اسراق) هم به عرصه می‌گشاید. پیمانده جنگ و پیمانده استراتژی «ارتزگیت» منجر به سرخوردگی آمریکائیان از تلاش مرکزی اطلاعات گردید که نتیجه آن کاهش پرسنل و افزایش ابتکار به تکنولوژی بود. معیناً به نوشته روزنامه کریستین سانس مستشرق از قول امروان کنونی و اساس اطلاعات، بهترین ابزار اطلاعاتی برای مبارزه با تروریسم «جست‌پیشرفت» در مسائل نیست، بلکه مأموری در روی زمین

از سوی دیگر، جنگ‌های چریکی که دیرزمانی یک پدیده روستایی به شمار می‌رفت، به نحو روز افزونی در شهرها گسترش یافت.

پیشرفت تکنولوژیکی

مهمترین عامل مرین حواله جنبه تکنولوژیکی، رشد ارتباطات گروهی، به ویژه تلویزیون، بوده است. نخستین پخش زنده و ماهواره‌ای باز پهای المپیک در سال ۱۹۶۴ تا توکیو انجام گرفت. هشت سال بعد، حدود ۵۰۰ میلیون مسافرین در سراسر جهان، شاهد پوشش که در باز پهای المپیک وینچ ۱۱ روزگار اسرائیلی توسط سازمان پانچامر میانه کشته شدند. از آن موقع به بعد، تلویزیون به صورت رسانه و منتخب گروه‌های موسوم به «تروریست»، درآمد و به گروه‌های کوچک و اساساً بی قدرت امکان داد که تظاهراتی خود را به وسیله آن به اطلاع همگان برسانند.

دراولت دهه ۱۹۷۰، تعداد سفرهای هوایی هم گسترش یافته بود. مسافت های پیموده شده توسط هواپیماهای مسافری برحسب «مایل» در سراسر جهان در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ به سه برابر رسید این افزایش، جایگاهی انعطافی گروه‌های مختلف به کار بود. خشونت‌ها بر این کشورهای مورد نظر و کشورهای که پانگامه بر این آنان فراهم می‌کرد تسریع و تسهیل کرد این امر موجب مسترین بودن هدفهای هواپیما رسانی را افزایش داد. اولین گروه‌ها، دربره کبری از این فرست، سرحدت عمل به خارج کردند.

بین سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۸ تعداد ۱۶ مورد هواپیما رسانی موفق، در پروازهای برنامه ریزی شده ایالات متحده، صورت گرفت. اما تنها در سال ۱۹۶۸ تعداد ۳۳ مورد هواپیما رسانی انجام شد.

سلاح‌ها نیز پیشرفت کرده‌اند. کشته‌های مدرن به سهولت در یک چندان جایی می‌گیرند. هفت تیر آنتی‌تاکتیک ۹ میلیتری «گلاک» ساخت انگلیس، کلا از پلاستیک ساخته شده است و به آسانی قابل پنهان شدن است. از اینرو به سهولت می‌توان آن را در جردانی که از میان دوربین‌های فرودگاه عبور می‌کند پنهان کرد. مستثنای به سلاح‌ها نیز بسیار آسان شده است. گروه‌های تروریستی و کارشناسان امنیتی می‌دانند که به طور مثال در حالتی که تیران با آن نطق، مؤثرترین سلاح‌ها را خریدار کرد، تفنگ، هلت تیر، تانک جنگ دستی، دوربین‌های تلسکوپی، موبایل آنتاز شد. تاکتیک و جنگ (اگر مبلغ مناسب پرداخت کند) که تاکتیک

تعریف تروریسم

به واقع تعریف گنده «تروریسم»، کاری دشوار و پیچیده است. اکثر تعریف‌هایی که از تروریسم به عمل می‌آید، شامل چهار جزء اصلی است که عبارتند از:
- روش (به کارگیری زور و خشونت)
- هدف (ک- گروه یا یک دولت)
- منجر (سلسله دولت‌ها) و یا مردم خاص)
- مقصود (احمال زور و ایجاد رعب بر روی رسیدن به هدف‌های سیاسی)

به عبارت ساده تر، این مسأله که حمله کماطلا مؤثر به مرز تنگنادران دریایی آمریکا در بیروت (گرمال ۱۹۸۲) یک اقدام تروریستی محسوب می شود یا نه، بستگی به این دارد که شواهد کدام قرار داشته باشد. این گزارش بر مبنای مستندات ۱۹۸۲ که به لیبی نسبت داده شد با تأیید کمیته صواب دهنده عمل کماطلا تروریستی نامیده شد حال آنکه دولت آمریکا همین اصطلاح را برای سن گزارش دیگری در فروردین ۱۹۸۲ علیه مسیاه صورت گرفته، نه تنها به کار نمی برد، بلکه عمل مسیاه را اقلیمی در راه کتب به «رنگینان آزادی جوان کرده است»

به عبارت دیگر، طایفه تلالی مؤثر است که برای تعریف کماطلا تروریسم می شود به دلیل اختلاف فرهنگی اساسی میان طرفین، هیچ تعریفی موجب اطمینان و یا حداقل توافق عام بین المللی نخواهد بود. مگر آنکه از یک دید صرفاً حقوقی به موضوع نگاه نکنیم، توجه نتیجه حقوقی مسیاه، نیاز به اصل موضوع را حل نمی کند، بلکه نوعی بی عملی پدیده می آورد که با استفاده از آن، می توان ساختار عدالت در هر اقدام سیاسی خنثیت آمیز را برای طرفی که به دلیل فشارتوجه دیده است، نامین کرد. این طرفی می تواند دولت و یا اتباع دولتها، یا توجه به تعریفی که از این دو موضوع در حقوق بین المللی عمومی و حقوق بین المللی خصوصی وجود دارد، روشن است که ارائه یک تعریف مشخص، جامع و شامل بسیاری مشکلات است. این امر نیاز به یک دید عمیق فلسفی، فقهی و حقوقی دارد. هدف های سیاسی - اقتصادی و ایدئولوژیک دارد. فست باقی به یک تعریف حقوقی در «تروریسم» بفرست که ممکن باشد مسیاه را به خودی خود حل نخواهد کرد. زیرا آموخته مسامت اجزائی بی عملی، این تعریف را صرفاً به سطح یک موشه تشویریک اکتفا می دهد. حقوقی تزلزل می دهد و حاکمیت می تواند در صورت پذیرش تسبیح عام جهانی، به عنوان یک «آرتیکل حقوقی» قابل استناد، در مجامع قضایی جهان مورد استفاده قرار گیرد.

مشیه های غرب

به هر حال، غرب برای مبارزه با این پدیده به شیوه های گوناگونی متوسل شده است. از جمله تشکیل نیروهای نظامی ویژه (مثلا نیروی دولتها در آمریکا)، تعیین سازمان های سیاسی مانند: دفاع در برابر ترور، «دکترین رابینز» و نیز اقدامات حقوقی، مانند: انعقاد قرار دادهای دو جانبه «مبارزه مجرمین» به برخی از کشورهای موید و تغییر برخی از قوانین، مانند: قانون دفاع از مجرمین سیاسی در آمریکا، هدف این مقاله بررسی یک نمونه از اقدامات حقوقی است که در ایالات متحده آمریکا به این مبادرت صورت گرفته است. امری که در داخل ایالات متحده نیز سردر حسابی رفرمائی به پا کرده است. این اقدام یعنی «فقدان داد» در جایی استراده با دولت انگلستان که هدف آن تحریک اجتناب از ارائه بخش ایزد است. به عنوان مثال، اقدامی بی سابقه در امریکا مطرح شده است. این فرآورد منطبق بر «کریستوفر پایل» (استاد حقوقی اساسی و ازادهایی دولت در کالج هانت هالی اکن) در نشریه امریکائی طارن «پالیسی» مورد کنکاش و ارزیابی قرار گرفته است. فست هاتی از این مقاله را ارائه می کنیم:

«تصویب طرح جدید استراده با انگلیس، با یک دیگر توجه شده است که در سال ۱۹۸۱ «تعریف تروریسم» به عمل کرده است و به ویژه در همان سال گذشته، داغ و معتبر از همیشه شده است. گذشته از هر چیز، بخش اعظم سیاست امریکا نسبت به خاور میانه، امریکائی مرزی و لیبی، نوعی این محور است که تصمیم گرفته شده اگرچه پای نظیر سازمان از پیشین فلسطین (صاف) و شورویان ضد ساندینت «کوترا» در نیکاراگوا، جاینگاری است. هستند که باید برحمتان دستگیر و به اتفاق اربابان خود، محازات شوند. با زمینگاران ازادبوهائی می باشند که استحقاق حمایت امریکا را دارند. استانه با تصویب این پیمان، بر

تعریف صریح از تروریسم - از دید حقوقی - صحت نگاشته، لیکن تعریف صریح «ازاما» به معنی عادلانه یا عادلانه بودن آن نسبت در واقع، این پیمان استراده و پیمانهای مشابهی که دولت امریکا حداقل با پنج کشور دیگر بسته است، مستکن است امریکا را درگیر گرفتار پیمان تعهدات و انعقاد مواضعی در قبال حقوق بشر کند که روزی باعث ناسف شود در عین حال، به موجب این پیمان، یک دولت نیست به تروریسم، یکی از سنن قدیمی امریکا که دولت به این مباحث می زدود، یعنی فراهم آوردن پانگاه امن برای پاندهائی که به منظور، خواهد استمال.

دولت امریکا بیش از ۱۲۰ سال است در خواست استراده

کارشناسان غربی سه عامل: دگرگونیهای وسیع تاریخی، جایجانیهای ایدئولوژیک و پیشرفتهای تکنولوژی را دلیل عمده پیدایش زمینه رشد تروریسم می دانند.

شورشیان دولتهای دیگر را در برمه است این ۳۰۰۰ مجرمین از تسلیم حکام طغ غن کشورها خوداری کرده است. صنوغت تسلیم این گروه مشتاقین سیاسی، تقریباً در تمامی پیمانهای استراده مجرمین باقی می شود که در امریکا و سایر کشورهای غربی است. فست است. دفاع از مجرمین سیاسی، در مقابل خولت استراده آنها، می تواند ضامنهای سیاست سالم و حیثیت اصول سالم باشد. یعنی سیاست بی طرفی مشروع، نسبت به شورش های خارجی و این اصل که کشورهای پایه داده با آگاهی کامل، از تسلیم مجرمین سیاسی به رژیم های که با آنها قرار کرده اند، خوداری کند.

مژتر به مقر تشنگاران درین امیریکا در بیروت (در سال ۱۹۸۲) یک اقدام تروریستی محسوب می شود یا نه، بستگی به این دارد که شما در کدام جناح قرار دارید؟

ویلیام هارسی، وزیر خارجه در سال ۱۹۸۲ زمانی که از استراده یکی از شرکت کنندگان در انقلاب نوافرم سال ۱۹۸۲ مشتاقین سیاسی، کوه نوشه، تسلیم مستحقین سیاسی... عملی... به معنی شایسته داشتن فساد نوع بشر است. تلالی برای کنار نهادن قانون و دفاع از مجرمین سیاسی، در واقع در طول دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر آغاز شد. دولت وی، به عنوان نخستین بار برنامه تشدید مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر که برخی از آنها در امور سیاسی کلیبیا و مرکز یکبک نیز فعالیت داشتند، مرصده برآمد که پیمان های مربوط به استراده مجرمین با این دو کشور را بی اعتبار سازد، لیکن حمله دولت ریگان به قانون دفاع از مجرمین سیاسی، بسیار وسیع تر است.

دولت ریگان میل دارد که دادگاههای امریکا نسبت به قضائیه خارجی می طرف باشد. بلکه خواهان آن است که قانون استراده مجرمین به نحوی تفسیر کند که دادگاهها را بطور خودکار، از رژیم های که دوست امریکا شمرده می شوند و جنبه پاندهائی که علیه آنها قیام کرده اند، مبرا سازد.

این دولت، به منظور نیل به این هدف، خواستار آن است که دادگاهها را از اختیاری محروم کند که به آنها اجازه می دهد، با استناد از قانون دفاع از مجرمین سیاسی، مانع از آن شود تا اقدامات خود را در نظر بگیرند. این قانون یک خطر استثنائی در مقابل اعمال قدرت دولتها قیامت، بلکه یک راه گریز، قانونی است با این خطر که امریکا را به پاندهائی که در صورت استراده، تبدیل کند.

راه گریزی که دولت امریکا خواستار بستن آن است، استفاده از مجرمین سیاسی نیست، بلکه دولت کنونی، خواستار حذف این دستگاه قضائی است که این دفاع را مستفل از ملاحظات سیاسی می بخرد.

دولت ریگان برای نیل به این هدف، چندین استراتژی را مورد آزمایش قرار داده است. در سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲، این رژیم به تبلیغ کرده که دفاع از مجرمین را از تمامی پیمانهای مربوط به استراده، الحاقی حذف می کند.

دولت ریگان در طول سال گذشته، خطی مشخص جدیدی را اتخاذ کرده، به گفته اقدام سوفاژ، مشاور قانونی وزارت خارجه، دولت اکنون درصده است طرح دفاع از مجرمین را فقط از پیمانهای حذف کند که در کشور مقابل «دموکراسی استرادی» پارچاست و «سیستم دادگستری» متصفانه با مجرمین می کند.

استفان کروت، معاون دادستانی از این نیز جدا فطیتر است. وی می گوید: هدف از این استرادی جدید، کمک به هدف دوستان وهم پیمانان، در مبارزه با تروریسم است.»

فست نهایی دولت هرچه باشد منظور از پیمان جدید با انگلیس، کمک به اخراج استراده ارتش جمهوریخواه ایرلند از امریکا است که به نظر دولت مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلیس، تروریست محسوب می شوند.

مسأله اینجا است که مفهوم تروریسم مورد قبول حامیان این پیمان، در هر دو طرف اقباس است. وسیع است، به نظر رادفیلد، کالسی انگلیسی، تروریسم عبارت است از: «دانشفله با تمهید به استفاده از شورش برای نیل به اهداف سیاسی».

وزارت خارجه امریکا با این تعریف موافق است. در نتیجه، این پیمان تمامی اقدامات عمده مربوط به شورش را که به گروهای تاریخ، طغیان توسط القاتلین در مبارزه مسلحانه برای کسب قدرت انجام می شوند، از لیست اقداماتی حذف می کند که دفاع از مجرمین سیاسی شامل آنها می شود.

دولت ریگان و تاچر، این تعریف، در واقع می گویند یک ملت مستبد، حق ندارد علیه یک «صنکراسی» فیدعله کند. این فریب، در ظاهر، به طور قابل ملاحظه داری معتاد است. دولت تقریباً هر کشور در جهان خود را یک «دموکراسی» می نامد و حق دموکراتیک ترین کشورها، شامل امریکا و انگلیس - سرزمین های دیگر را، با استفاده از راههای غیر دموکراتیک، تصرف کرده اند و راهها حکومت می کند.

دولت انگلیس تلوها این ادعا را در مورد یوز خورده می کند. لندن امیرار دارد که هیچ کس، و فقط هیچ کس، کارکنی که ایرلند فشان، حق ندارد علیه حکومت انگلیس قیام کند. دولت ریگان با این ادعا موافق است و دولت تاچر را نیز تعارف را، برخلاف قانون ۱۴۰ ساله انگلیس، با تصدیق این مطلب که تحت هیچ شرایطی اقدام به قیام علیه امریکا قابل توجه نیست، بلغ داده است.

تاریخ، کانولیکهای ارتش کشتار پروتستانها در
 پلادس که در اوایل عهده ۱۷۷۸ برای محافظت از
 خانوادههای خود در شوتهای ابراهام لینکلن و هندی سرایان
 انگلیسی و علیحدت چندینوی خانه به خانه، به ارتش
 جمهوریخواه ایرلند پیوستند. اکنون ظهور خود به خود به
 عنوان چایینکار یا تروریست، قابل احترام هستند اما
 سرزایی که به خانههای کانولیکها تجاوز کردند ساکنین
 را با دلیل مستدل کردند. یک قطب افولت بود، یک کارآموز
 بازرجیهای خشونت بار قرار دادند و بدون حاکمه دست به
 توفیق آنها زدند. هیچ عمل نامرئی انجام ندادند.
 افولت ارتش شوتهای جمهوریخواه ایرلند در حمله به سرزاییان
 انگلیسی در گلرگانهای روستای ایرلند است. به عنوان
 علیحدت تروریستی تخیلی می شود اما اقدام ضدانقلابیون
 نیکاراگوا در مین گلدری جادههای روستایی نیکاراگوا که
 مردم را بلا استثنا، به قتل می رساند، با افزایش کمکهای
 مالی آمریکا پادشاهی می شود.

سیاست یا قانون؟
 اگر استرداد مجرمین بیشتر یک مساله سیاسی بود
 ناپاک قانون، امکان داشت چند اظهارات گلدرگانه ای را به
 راجحی رد کرد اما در آمریکا مساله استرداد مجرمین همواره
 یک موضوع قانونی بوده است. استرداد مجرمین خارجی،
 همانند هر اعلام حقوقی علیه استرداد، باید از اترامات
 قانونی مربوط به طی جریتهای حقوقی را برآورده سازد و از
 عدالت قانونی برخوردار باشد. قانون در مشخص ساختن
 (بیکه چه کسی باید تحت حمایت فرامرزی یک ملیت باشد یا
 تسلیم شود، باید براساس اصولی عمل کند که از اتحاد
 نظامی و چابداری سیاسی فراتر رود. باید با تمامی مفاد
 سابق و انقلابیون سابق بطور برابر رفتار کند.

آمریکاییها به این که انقلاب آنها از برمی و شغولت،
 نسبتا به در دور، خود اختتام می کنند و نمی فهمند چرا ارتش
 جمهوریخواه ایرلند و سایر گروههای انقلابی از این مرز
 پیروی نمی کنند؟ آمریکاها به این موضوع را درک
 نمی کنند. چون برخلاف ایرلندیها و فلسطینیها، هرگز
 انقلابی نبودند. توسط فرهنگ مخاصم که مضموم به تسخیر
 کشور آنها و گرفتن قدرت برستی برای مکتشفان اشتراکین
 است، اشغال شده است.

زیدترین مورد مشابه در آمریکا، همان آمریکاییهای
 پورمی هستند. اما خاطرات آنها بخشی از گامی نمی نیست.
 اگر ایستاد بود، امکان داشت آمریکاییها به آمریکا حمله کند
 چرا یک فلسطینی مثل ابروین که در یک اردوگاه متولد شده
 است و پدر و مادرش بر اثر جنگ اعراب - اسرائیل فرار
 ۱۹۴۸ تبعید شده اند. همسرشان اسرائیلی را قتل می دادند
 و فرزندش برمی آید با پسر گلدری فرستاده در اماکن
 صوملی، امنیت آنها را از بین ببرد برای مرصی که تحت
 اشغال زندگی می کند. همانند کشوری در هر جنگ، هدف
 پیروزی فرشتاگر، تقریبا همه چیز را توجیه خواهد کرد.
 دولت ریگان درصده است از طریق پیمان آمریکا
 از نظر قانونی و همچنین سیاسی، در کنار نیروهای مسلط در
 دولت شامی و مردم فلسطین قرار دهد. و توجیهات مبارزین
 مفاد سابق از افرایح کند. در واقع، احدی در صدد به دنبال
 توافق با انگلیس، پیمان استرداد مجرمین دیگری نیز با
 اسرائیل بسته شود.

از آنجا که وقیفه یک دادگاه از نامی رفتار مضموم
 شخص دیگری است، قضاوت آن باید کاملا محدود به آن
 چیزی باشد که ادعا می شود آن فرد انجام داده است.
 اختلافات مفهولان را در فهم ارتش به قضیه
 تازده زیا سیستم قضایی امی کا، قضاوت درباره فردا
 نموده بود. رفتار معاشین امی کا از مترواح می کشد.

با وجود این، هر زمان که مردم آمریکا نسبت به یک
 فردی در مسئله بکلی دارند، همگانی که این فردی به یک
 خارج از محل اصلی راه می آید این احساس آنها نیز از بین
 می رود. زمانی که خود آمریکاها، اسفن مسافرت در
 خارج از منطقه بطور غیر عادی، قرضی درگیرها
 می شوند. مثل مجاری دلتون کلینگری که توسط کابینگان
 کشش ایشالیایی «اکویرالترورو» به قتل رسد و ما

آمریکاییهایی که در حمله به فردگاهها بطور انفرادی کشته
 شدند. امریکا مردم آمریکا به حق خوشمنشاری مردم دیگر نیز
 پایان می گیرد بنابراین، آمریکاها با اصرار دارند که قانون
 استرداد مجرمین از شورشیان یا مقامات نظامی انتظار
 داشته باشد که فقط اهداف بلاواسطه مبارزه سیاسی خود را
 مورد توجه قرار دهند و آنها را به سرزمین مورد اختلاف
 محدود سازند.

معادله محاسبات اخلاقی به هنگام بررسی موارد
 حمله به اهداف غیرنظامی باید مورد توجه قرار گیرد. هنوز
 مشخص نیست، اثر مردم میل دارد، باور کند که این افراد
 نیز، همانند سرزاییان، شهادت و تندی لازم برای مقاومت در
 برابر جنگ می ضروریان دارند اما این مساله نیز به وضوح
 مشهود است که مقاومت در برابر این علیه که هدف،
 چگونگی وسیله نیل به آن را توجیه می کند تا چه حد فشار
 و نظارتگان است این عقیده ای است که اغلب در واحدهای
 مبارز پیروز یافت می شود. نتیجه توجیه نوری
 و ریازکاری در قانون است. به سرزاییان گفته می شود
 ضروری است که از چنین سبوریهای نامشروع که به مراد
 چایینکار جنگی مردم حاکمه قرار می گیرند، اما درصدد
 فقط آزادی نظیر اِلتآ ایشمن، چایینکار نازی که با اختیار
 و ایستادگی خود اقدام به چاییت کرده است، تحت پیگرد قانونی
 قرار می گیرند.

* **مین گلدری خلیج سونتر** *
سال ۱۹۸۴ یک عمل کاملاً
تروریستی نامیده می شود، حال
آنکه دولت آمریکا همین اصطلاح
را برای مین گلدری بندری در
نیکاراگوا که در سال ۱۹۸۴
توسط «شیاه صوت گرفت، به
کار نمی برد.

اینکه دادگاههای رسیدگی کنند به موارد استرداد
 مجرمین سرانجام چگونه با دفاعیهای مختلف برخورد
 خواهند کرد، مساله ای است که باید دید، لیکن دولت ریگان
 به راه حلای قضایی حاکمهای نازده این دولت خواران آن
 است که خود تصمیم بگیرد.

این دولت قانون شکنی کردن مجرمین برحسب را نخواهد
 پذیرفت. همین دولت ریگان با این ایده که نیز توانی برای
 پذیرش یک قیام سیاسی، جان شهروندان نیز نمی توانی
 پذیرد. اما انتقامات زمانی کافی نبود. بگرنه این دولت معاصه
 عمل احتمالی به مردم می کشد، محدودیت این دولت
 معصه است که مصلحت حساب شده و کلاسیک به سرزاییان
 انگلیسی در پلادس تا سرزاییان اسرائیلی موافقت باختری،
 مانند صلح به اماکن هستند. مسخ مجازات است.

مفادات دولت است. به این نکته سرحت هستند
 در بحث در مورد این پیمان پیشنهادی با انگلیس، آنها کمرا
 اصرار داشتند که تمام اعضای ارتش جمهوریخواه ایرلند
 تروریست هستند و در ایرلند شمالی هیچ قیامی وجود ندارد
 و اگر ایام هم وجود داشته باشد، مبارزین شورشی فقط در
 صورتی بازگرداندن می شوند که نیروی نظامی آنها به حد
 یک ارتش قابل رسید باشد و اعضای آن طبق قانون
 جنگ مبارزه کند.
 هر یک از ادعاها، نمایانگر بخشی از منطقی است
 درموردی از تعریف تحریف شده دولت از تروریسم فرارزاده
 شایسته است که آنها از نزدیک مورد بررسی و
 موشکافی قرار گیرد.
 نخبین ادعا اشتکارا افرا می آید است که

برخی اعضای ارتش جمهوریخواه ایرلند از این نظر
 تروریست هستند که علیه افراد متخاصم کرده اند که
 در ضمن فعالیت مسالمانه فعالیت نداشته اند. معادله در
 گرفتن تمامی اعضای ارتش جمهوریخواه ایرلند از این
 زاویه، فراموشی این برین احضال تفاوت قابل شدن بین
 تروریستها و مبارزین ایرلندیخواه است. ثابا، دولت مدعی
 است که مبارزین جمهوریخواه ایرلند بخشی از یک قیام
 مرضی نیست و بیشتر به پانده با بدین معنی، در آیین
 غربی است. مقامات غیرنظامی آمریکا می کنند که یک
 قیام خاص و نامشروع، طبق تعریف، باید از حمایت استریکت
 مردم برخوردار باشد. درحاله که، گفته بسیاری از محققین،
 انقلاب آمریکا، لاقابل فر افرا، در این طبقه بندی نمی کشد.

دادگاهها جهت تشخیص قیامهای اسبیل از امری که
 بر سر آن مساله است، فراتر رفته و کلیه شرایط را مورد
 بررسی قرار می دهند. آنها به دنبال شواهدی هستند که در مورد
 حمایت مرضی وسیع از گروههای شبه نظامی دیگر یا مردم
 و زبیری اعتراف، بلکه در زمینه مقاومت سازمان یافته در برهه
 و درموردی اقتدر گرفته که رژیم مدافع را فرار دهد و
 استفاده از اعضای نظامی فرکانس سیاسی نماید، می کنند
 چهار دادگاه، آمریکا اخیرا نتیجه گیری کرده اند که با این
 معیارها و مقررات، در ایرلند شمالی، قیام وجود ندارد.
 دولت ریگان در ایرلند تلاش کرد تعریف خود را از قیام،
 از طریق تغییرات آیین دادرسی، تحمیل کند. در واقع، این
 وقیفه و طول سلسله اتهامات برعهده دادگاهها بوده است، آنها، این
 دولت در همان نخستین اظهاریه روی کار آمدن، اینطور
 استدلال می کرد که سرانظر از دیدگاههای مختلف درباره
 یک قیام، قضاوت در مورد آنکه چه واقعا یک قیام
 سیاسی است، به دادگاههای ارتش ایرلند هنگامیکه
 کشتههای قضایی ستا و مجلس نمایندگان و نیز سه دادگاه
 فدرال این ایده را رد کردند که فقط مستشاران می تواند
 بطور مناسب به مورد جنی صائل داری کند. دولت خود
 مشی خود را تغییر داد و ضمن متهم کردن توجیه خود به
 مدعیان مساله، اکنون با این نظر موافق نیست که اگر قیام
 ملاک تشخیص باشد، دران صورت این تیران قیام
 مسالمانه سیاسی را در هیچ شکلی موجه دانست.

بطوریکه نمایندگان دولت در فوریه ۱۹۸۶ در مجمع
 انجمن وکلای آمریکا گفتند: پناهندگان نباید بتوانند از
 مسترد شدن به زبدهای پوست بگریزند مگر آنکه سرزاییان
 با ارتش کامل باشند و بنابراین، به موجب معاهده ۱۹۴۸
 زانو تحت عنوان «تفریق از قربانیان جنگی»، مسئول قانون
 عدم استرداد مجرمین شوند.

یک دولت واقعی در مورد این بحث جنی است. باید
 تصدیق کند که «کوتاههای نیکاراگوا که از آنها حمایت
 می کند نیز صرفا گروهی چایینکار هستند زیرا با وجود تمام
 کمکهای که از آمریکا دریافت کرده اند، همچنان یک
 نیروی چریکی باقی مانده اند و هرگز به عنوان ارتش یک
 رژیم قانونی مدعی قدرت - حتی از سوی آمریکا - به رسمت
 شناخته نشده است.

در درای پناهندگی دولت بر این موضوع که «شورشیان
 سازمانی که مقاومتی ارتش جنگند، استحقاق احترام
 آمریکا را دارند، در واقع احساسی نهفته است که دولت
 نسبت به انقلاب آمریکا و تانکیهای نظامی مشخص «هرج
 واشکنه» دارد.

اگر «شانشکی» توانست در افرا، به یک کارگریز
 واحدهای تروریست، در مناطق نسبتا کم جبهیت پیروز
 شود هرگز دیگری نیز که استحقاق پیروزی داشته باشند
 باید همین کار را انجام دهد.
 معادله، اگر واقع می باشد، نمی توانیم انقلابیون جدید
 را به معیارهای جنگ و اشکنه، محدود کنیم با وجود تراکم
 جبهیت و امکانات نیروهای ایس و ارتش چریک.
 شورشیان امروز «مجموعا می شوند» به عنوان چریک.
 از درون توده مردم، با وجود تمام خطرانی که برای جان مردم
 بیگانه برادران به جنگ برپا دارند. علاوه بر این، رد کردن
 جنگ چریکی شهری، به عنوان یک وسیله اخلاقی غیرمجاز

برای ایجاد دگرگونی، قانون را به نفع هر رژیسی که اتفاقاً در رأس کار است، لغت می کند.
اکتوز نام آن رسیده است که اعتراض کیم انقلاب آمریکا را و جنگ داخلی آمریکا - رویدادهای غیرعادی بودند. در مخالفت تجربه آمریکا، اکثر گریه های داخلی، جنگهای داخلی و غیره استند که به مسئله زندگی نامی منظم که بر اثرات اقتصادی اولیه ای، قومی و مذهبی عمیق تحریک شده اند، در دوران نود مردم صورت می گیرد. این دگرگونیها نه تنها شورشیان را علیه دولت به مبارزه می جلی دارد، بلکه سازمانهای اشتراکی و غیراشتراکی را که برای جلب حمایت مردم غیرنظامی با رقابت دارند، روبرو قرار می دهد.

این مورد، همان است، از شورش انقلابی در تنها اثر بین برهن نیروها با اموال دولت (لی نقد)، بلکه بیشتر برای متعادل کردن بخش های جامعه مردم استفاده می شود که نباید بر دولت و احزاب غیرقانونی برای تأمین ثروت در کشور حساب کنند. بنابراین، باید با شورشیان همکاری کند یا حداقل ریشه های آنها را بپذیرد. امید در ایرتد شامی، در نوع خود نمونه است. در بسیاری از موارد به نفع مردم ارتش جمهوریخواه ایرتد را تا تکلیف های واحدهای کوچک چریکی استفاده می کند. با وجود این، در محله های غربی غرب بلژیک، این ارتش تا تکلیفها را به تنها از طریق ارائه خدمات مشاوره ای... کنترل می کند، بلکه سعی دارد با برآه انداختن جنرال در مورد محافظت از کاتولیک ها و نیز به نام انداختن خبر چین های مضمون به این منظور برسد. روزستانگ ارتش جمهوریخواه ایرتد به منظور ترساندن کاتولیکها از کمک به ارتشکس، با یک فاشی و دخترش را هنگام خارج شدن از کلیسا به ضرب گلوله به هلاکت رساندند. جناح جاکوبکم استریت فوراً به منظور باز داشتن کاتولیکها از خدمت فر ارتش، برای نامی و در ایمن استانی که به عنوان کشش مخصوص در خدمت نیروهای مسلح انگلیس بود پست کرد. عوامل شبه نظامی در اکثریت پروتستان نیروهای شبه نظامی، از جمله لفل کاتولیکهای غیرنظامی، بکاز برده اند. بنابراین، مبارزه در ایرتد شمالی نه تنها تلاشی درازمدت برای بیرون راندن دولت انگلیس، بلکه مبارزه کوتاه مدتی برای کنترل جوامع پروتستان و کاتولیک نیز هست که در آن از کاتولیکها ارعاب آسبز و نیز از کاتولیک های غیر رعب آیر استفاده می شد.

امریکا برای اینکه مسأله تروریسم را در قانون دفاع از مجرمین سیاسی وارد کند، باید به جای اعمال معیارهای قرن هجدهم، به تعیین حدود کلی کار آغاز کند و این فقط مورد طلب قانون، که مشخص است، در حد است. این قانون به روشی به اندازه کافی کلی تدوین شده است که تعادل محتاطانه و گداز به کار قانون را امکان پذیر سازد.

این قانون به جای رد فعلی احساسی اقدام مشروع علیه یک دولت خارجی، به یک فاشی اجازه می دهد. بررسی کند که آیا سیاسی وجود خارجی دارد یا خیر، و سپس به ترازایی روشی به نام کار گرفته شد. توسط معیار، معیار سیاسی استانی که از سوی قوانین جنگی تجویز شده است، پرتازد. این قانون به دادگاه اجازه می دهد در استانی بدون عملیات متهم را، با توجه به ماهیت عمومی درگیری که تا اندازه ای به وسیله تاکتیکهای طرف مخالف تعیین می شود، مورد بررسی قرار دهد.

پیمان اسراده مجرمین با انگلیس، در مقایسه با این راهبرد، مردم ساده آیدانشانه و موخن است. پیمان مقرر به این استالها که آیا اصلاً سیاسی در جریان بوده است؟ این است؟ آیا قیام مردمی است؟ آیا رژیم مستعمر است؟ و آیا رفتار متهم شرارتانه، بیرحمانه، نذرت لکن، قساوت دارد یا غیره است؟ این بوده است. توجه مردم در عرضی این بیان ضمن اقلامی قد و شرط این مطلب که تمام افرادی که به بیگناریها و شلیک به سوی افراد به عنوان بخشی از عملیات یک تپا، شرکت دارند، مورد بررسی سیاسی، سینه مند و با پارتین نمی تواند از مسترد شدن ظلمه رونده، نظاره به حساب از قانون دفاع از مجرمین سیاسی می کند. نام هم فقط در مورد افرادی که به

روزنامه ه نامه می نویسد
یعنی استرداد مجرمین با انگلیس اثر محسوس بر توانایی بیان نظمی ارتش جمهوریخواه ایرتد نخواهد داشت. پناهندگان ارتش جمهوریخواه ایرتد در سده خواهند آمد که به سایر کشورهایی که قانون دفاع از مجرمین را حفظ کرده اند، پناهندگی خواهند یافت.

*** دست یابی به یک تعریف حقوقی از تروریسم، به فرض که ممکن باشد، مسأله را به خودی خود حل نمی کند، زیرا نبود یک ضمانت اخلاقی بین المللی، آن تعریف را صرفاً به سطح یک توصیه اخلاقی و حقوقی تنزل می دهد.**

برای سیاستمداران بلند پایه دولت ریگان، هدف اولیه از چنین سیاستهایی، حداقل نظاره به مخالفت با تروریسم است. اما در وهله این، برای وکلا و بازپرسیهای باستان رسته تر در وزارت خارجه و داکترستی هدف اولیه مبارزه با تروریسم است. زیرا، بلکه بازگردان مجرمین فراری به شکلی است که در زمان کارتر در مبارزه با مواد مخدر عمل شد. در طول درگیری بر سر طرح اسراده مجرمین بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲، پروکورات های طرفدار این طرح حتی تلاش کردند تا این شرط را حذف کنند که دولت متقاضی اسراده مجرمین باید ثابت کند دلیل کافی برای اثبات این ادعا وجود دارد که فرد متهم اسرا جرمی را مرتکب شده است.

مقاله تعریف تروریسم که از نشریه «پارن پسی» نقل شد، به گوشه ای از اقسامات دولت ریگان و مدحش در این زمینه را تحت اشاعت قرار می دهد.

*** دولت های ریگان و تاجربا تعریفی یکسان از تروریسم، دواقم می گویند که یک ملت مستعبدینه حق ندارد علیه یک «دموکراسی» قد علم کند.**

ببرخورد با این پدیده نظر می افکند، اما شدت لفاظیها برآمده از پدیده تروریسم، گاهی واقفیت های جالب در این زمینه را تحت اشاعت قرار می دهد.
بخشی از این اشاعتها در مقاله «دکترها در مقابل تروریسم: که توسط والتر لاکوئر، رئیس شورای تحلیلات مرکز مطالعات استراتژیک بین المللی» دانشگاه جرج تاون آمریکا در شماره پاییز ۱۹۸۶ فصلنامه «پارن آفریز» به رشته تحریر درآمده، متعجب شده است.
لاکوئر در این زمینه می نویسد: راه حل برای مبارزه با تروریسم «بهره زدن به مرکز رهبری تروریستها، با استفاده از شیوه های عملیات پنهانی است، هرچند که این

عمل نقش اشکار اصول اساسی دموکراسیهای صنعتی است. وی می نویسد: «بسیار سال، دموکراسی صنعتی را که کوشش خواهد کرد تا یک جراب متعلق برای برخورد، که به عنوان غرب و میثال ارتباط جسمی در رابطه با تروریسم داشته اند، بیاند. مورخین متوجه خواهند شد که رژیسی جمهوری و دیگر رهبران عالم به تروریسم به عنوان یکی از بزرگترین خطراتی که جامعه بشری را تهدید می کند، اشاره نموده اند. شکی نیست که رژیسی تروریستی روزها و هفته ها بخش اخبار جهان را به بخش برنامه های در باره عملیات تروریستی اختصاص داده اند و روزنامه نگاران، تروریسم را در سطرانهای جدید خوانده اند.

فیزیکی است که مورخ آینده مانظر دارد. خطری با این عظمت، درین سال زحان ها، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از اهمیت برای باظراتر جنگ، فلسفی، کثرت بحث، اعتراض کشنده، بحران بلخی و غیره، وی می پندارد که در این مورد اقدام مصممانه ای به صل آمد و متعادل عده ای به مقابله با این تهدید اختصاص یافته است، اما به تعجب بسیار با یاد تاریخ نویس خواننده که با وفای نقد نخست وزیر فرودسوال ۱۹۸۶ کشته شد دولت سوتن، برای کسب اطلاعاتی که منجر به دستگیری قاتل وی شود، جایزه ای تعیین کرد که میزان آن کمتر از درسد حقوق سالانه یک بانکدار سرمایه گارور پاکب بازیگر تروریستی سینا بود و دولت فرانسه نیز دستگیری تروریست های این کشور، حتی کمتر از میزان پاداش پیشنهاد کرد. همچنین آلمان غربی، برای دستگیری «ظفرانک تریه» تروریست، فقط سه نمای به پرداخت حاکمتر ۵۰ هزار دلار دادند.

ایالات متحده در این رابطه، طبق قانون سال ۱۹۸۴ میلادی تروریسم، متاع ۵۰۰ هزار دلار پیشنهاد کرد که با وجود اینکه به تعداد سفیرانها درمورد تروریسم و وضع تقاضای در این باره، مبلغ خیلی زیاد نبود. بطور قطعی تاریخ نویس متاعظر خواهد داشت که هزینه تحقیق و توسعه وسایل های برای پیشگیری اعمال تروریستی و مقابله با تروریست ها، سرمایه گارهای عده ای شده اند. مانند ایالات متحده متوجه خواهد شد مبلغی که ایالات متحده در این کار اختصاص داده است، در حدود ۴۰ تا ۳۰ میلیون دلار می باشد که به مراتب کمتر از متع است که یک شرکت دارویی درجه ۲ برای تحقیق و توسعه صرف می کند.

حیرت این مورخ با باگایی به این مسأله تحت خواهد شد که کل تعداد ایالات متحده که در سال ۱۹۸۵ در این زمینه تروریستی، در داخل ایالات متحده، کشته شدند، دولت است تعداد کل شهروندان آمریکایی که در خارج از کشور بین سال ۱۹۷۳ تا آخر سال ۱۹۸۵ کشته شدند ۱۶ نفر مورخ نام کتابها و مقالات متعدد مطبوعی مربوطه ارتش، ماسی تعداد حملات تروریستی خواهد یافت و اگر بوشهر باوجهایی باشد، آمار را تحلی خواهد کرد. آمار این رقم مسلماً حیرت وی را بیشتر خواهد کرد. زیرا در خواهد یافت که تعداد شهروندان آمریکایی بیشتر ترسد تروریست ماموران ۱۹۷۴ به قتل رسیده اند (۳ نفر) تا سال ۱۹۸۲ (۱۶ نفر). البته شدت تروریسم فقط با تعداد قربانیان آن سنجیده نمی شود.

علاوه بر اینها، درده ۸۰ تحولات تازه ای از قبیل پدایش تروریسم در رابطه با قاچاق مواد مخدر و مهاجرت یافتن تروریسم دولتی در سطح وسیع تری نسبت به سابق، به وقوع پیوسته است. آنهایی که به آمریکا میروند می شوند، تروریست همگی برای این کشور تهدید می خرد. به حساب تروریسم است و اگر همگس قدرت های بزرگ، از جمله شوروی، بین یازدان اکثر بنگارها، و واقفیت این است که تروریسم برای زندگی در برخی کشورهای آمریکایی لاتین و کشورهای چون ترکیه و ایتالیا، خطری جدی محسوب می شد.

عقد قرارداد دوجانبه استرداد
مهرجین سیاسی با دولت انگلستان
 که هدف آن تحویل اعضای ارتش آزادیبخش ایرلند به لندن است. به عنوان اقدامی بی سابقه در آمریکا مطرح شده است.

جستجو برای یافتن معنای تروریسم

تروریسم چیست؟ بسیار عجیب بود اگر تمام مباحث مربوط به تروریسم، عوامل محرک و اهداف، هدف و ویژگی‌های مشترک و تاریخ درازمدت آن، براساس یک تعریف جامع، دقیق و روشن، مشخص شد. مشخص ایند که خواه بود یکی از درباریان مورده یک توافق کلی به دست آید یا تروریسم خشونت به معنی عام کلمه است یا نوع به خصوص از خشونت می باشد آیا باید برهنه‌های سیاسی آن تاکید کرد یا روی روشهای مبارزاتی آن و یا به سوی شمولیت غیر طبیعی اسرائیلی آن توجه داشت؛ شاید هم این واقعت باید مورد تاکید قرارگیرد که بیشتر قربانیان تروریسم افراد بیگناه هستند.

مسلکانه، بر سر یک تعریف مشخص برای تروریسم، توافق دیده نمانده و شواهدی هم در دست نیست که نشان دهد در آینده نزدیک رسیدن به چنین توافقی امکان پذیر است. هر یک کتاب تحلیلی که تحت عنوان "تروریسم سیاسی، یک راهشما تطبیقی" نوشته آنگس اشپت فرسال ۱۹۸۹ در مورد تروریسم انتشار یافته، نویسنده ۱۰۰ تعریف مختلف از تروریسم را بیان کرده که بین ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۱ ارائه شده است. تعریف های بیشتری هم وجود دارد. فقط دولت آمریکا تعریف های بسیار ارائه داده است که به معنی صورت مشابه یکدیگر نیستند.

بیشتر کارشناسان در این مورد توافق دارند که تروریسم تهدید به خشونت و یا استفاده از آن است که به عنوان یک روش جنگی یا یک استراتژی برای دستیابی به اهداف سیاسی، به کار گرفته می شود و هدف آن ترساندن قریب است. این افراد معتقدند که تروریسم همان استفاده است که با معیارهای پژوهش‌هاست مطابقت ندارد. آنها همچنین تبلیغات را یک عامل مهم در استراتژی تروریستی می دانند.

در این مرحله که بگنجد، برهنه‌های تروریسم با یکدیگر تفاوت دارند و اغلب این تفاوتها براساس عقیدت از ایجاد به خصوصیت گروههای تروریستی مستخرج تغییر و تبدیل بوده است، وجود چنین تفاوت هایی عیب نیست. وجه اشتراکی بین تروریست‌های قوی قرن هجدهم یا اویندهاژدهم و تازه و اگر هم باشد، بسیار جزئی است. یک تعریف یکسان که بخواند در برگیرنده هر دو اینها را میگوید، اینهاست: پاسیواریسم و تروریسم. گروه‌های بسیار گمراه کننده، چیزی به عنوان تروریسم ناب و خالص، مشخص و غیرقابل تغییر، بیان می کنند. ششسانی، وجود ندارند. با وجود آنکه تروریسم بسیار است.

اما نوبت یک تعریف دقیق به این معنی نیست که کسی دائم تروریسم از نظر کلی چیست. گفته شده است که تروریسم شیوه به صورت فقهی می باشد که هدف آن ترس است، ولی هر جا که دیده شود، به معنی قابل شناختن است.

ایهام درباره تروریسم تا استانی را از افکار ذهنی مخالف سرشناس می گوید که علیه دارند. اما اما تروریسم معاصر بی اقدام تروریسم است و عکس عملی طبقی می دهاند. این عمل به معنی سرود به برابری، همبستگی و یا لاقابل درک صریح است.

پاسخی طبیعی به بی عدالتی
 چگونه می توان تروریسم را ریشه کن ساخت؟ اخلاقیون معتقدند که تروریسم پاسخ طبیعی به بی عدالتی، فشار و سجنجاست. بنابراین، عدالتی اساسی را از سر راه بردارید تا تروریسم نیز از میان برود.
 این راه حل پذیرفتنی به نظر می رسد زیرا به نظر نمی رسد که مردمی خوشبخت و راضی، مست به اقدامات وحشیانه و خشن‌تر باز بزنند. هر چند ممکن است این مساله به عنوان یک فائده کلی مطلق، صحت داشته باشد ولی بهرتر در دنیا واقعی که هیچ کجا بطور کامل خالی از منازعه نیست، قابل تعمیم است.
 سوابق تاریخی نشان میدهد که اگر چه علت ناسخ تروریسم در قرن نوزدهم اغلب پاسخ به سرکوب بود ولی در روزگار ما ارتباط بی منته و تروریسم کمتر به وضوح سواخت است.

اقدامات ارتش جمهوریخواه ایرلند در حمله به سربازان انگلیسی در گنرگاههای روستایی ایرلند شمالی، به عنوان عملیات تروریستی قبیح می شود، اما اقدام ضدانقلابیون نیکارکار در مین گذاری جاده‌های روستایی که مردم را بلااشتباه به قتل می رساند، با افزایش کمک‌های مالی آمریکا پاداش داده می شود

در مورد کمال یافتن مؤسسات سیاسی، حادی و خودرهادر و هر قدر که نظم اجتماعی، آسانی و عادلانه باشد، همیشه افرادی در جامعه خواهند بود که عمیقاً متعلق به لزوم تغییرات بنیادی باشند و اعتقاد داشته باشند که انجام تغییرات فقط از طریق اعمال خشونت، امکان پذیر است.

قدرت "ولست" می آید، بیشتر از قدرت تروریست‌هاست و در صورتی که تعمیم برای اقدام می‌تواند گرفته شود، همیشه در قدرت تروریست‌ها فائق خواهد آمد. ولی آیا یک جامعه دمکراتیک قادر به مقهور شدن است؟ تروریسم، بدون سرافراز کردن از ارزشهای هسته که هسته اساسی نظام مشوام می‌شود؟

این دیگر تجربه نهایی می‌دهد که بدون مشکل زیاد این کارشناسان، مقامات دولتی، اینتلیجنس، در حالی که کلاماً قانونی عمل می‌کنند، با به کار گیری ترکیبی از اصلاحات به ناپسند افکار سیاسی، نفوذ در سلفقوت گروههای تروریستی و دادن قول به ناصحان، می‌تواند بر کاهش عمده در قورهای زندان آنها، بر بگداختن سرخ را کشتن وادان خودره حیات جنسی‌های تروریستی ناسخود، نیستند. اگر پس از گذشت چند سال تروریست‌ها در پانده که کشتن چند سازماندار، آنها را به هفتشان نزدیک تر نساخته است، تعمیم‌ناست می‌شود.

به نظر می‌رسد که یک روند مثبتی، سیاست‌های جامع دمکراتیک، در مورد تروریست‌ها تعمیم می‌تواند یک حکومت دمکراتیک تا زمانی که تروریسم چیزی نباشد از آن و اثبات نیابند در مقابل هرگونه تلاشی برای محمول سازی ازبندیها، ممنوع، مقاومت می‌کند. و در واقع، تروریسم بیش از یک از آن و اثبات باشد و عملکردهای جامعه تحت تاثیر قرار گیرد، به دولت فشار حسینی خواهد آمد.

تا این حد، تا تمام امکانات، تا بین برده هر چند به نظر درست نمی‌رسد ولی بر این اساس، نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که قدرت تروریست‌ها بیشتر بر موق باشد. کلماتی که به نیت آنها نزدیک خواهد شد. در مورد هر استثنای مورد دارد ولی در این مورد این استثناء کم و بسیار با فاصله حاد می‌شود.

بدون تکیه بر این امر برای استنادی بسیار اواهم در صورت یافت، و ممکن است بلا توجه بش از استناد به قدرت نیابند.

تروریسم بین‌المللی یک فعالیت غیر قانونی است بنابر این، سهم کارشناسان قانونی، تاثیر محدودی در آن داشته است.
 موافقت نامه‌های ویژه دو جانبه با پاسنهای متعلقه بین چند کشور، ممکن است از ارزش خاص برخوردار باشد. میانه اطلاعات بین کشورهای عضو ملاتوه و دیگر کشورها، در راه امر بیشتر کم، در تمهید از مباحثات تروریستی جلوگیری شده است. تحت شرایط خاصی، اقدامات سیاسی آرام، از جمله دادن اظهارهای غیر تبلیغاتی مؤثر بوده و در شرایط دیگر، بی‌شک می‌تواند تبلیغات کند کرده است. بیشتر حمایت تروریسم مستقیم در میان نیستند که دخالت برای ارتشک شود. این عده وفاس درایند آنچه قرار بوده است برای آنها یک اقدام با ارزش و کم‌همنه باشد. امکان دارد که یک درگیری مسلحانه تهاجمی شوه که امکان خطر در آن بسیار و ارزش آن، در بهترین حالت خود، نامعلوم است. لاقابل به طور موثرت، دهانت خود را کاهش خواهند داد.

اما به طور واقعی، اقدام مؤثر و مؤزون علیه تروریسم، فقط بر اساس یک استراتژی امکان‌داره که اولین بار توسط تروریست‌های روسی در قرن نوزدهم به کار گرفته شد. این استراتژی عبارت است از: "طرحه زدن به مرکز" که منظور حکمرانان کشورهای است که حامیان تروریسم بین‌المللی هستند. این ممکن است، به چند علت، ضربه زدن به مرکز چندان اسان نباشد. سیاست یک اقدام یا یک مبارزه تروریستی مشخص، همیشه به اساس قابل اثبات می‌باشد و احتمالاً، طرف ضعه دیده، مشکل می‌تواند شواهد قطعی، و کافی فراهم آورد.

لندن احسار دارد که هیچ کس قطعاً هیچ کاتولیکی در ایرلند شمالی حق ندارد علیه حکومت انگلیس قیام کند و دولت ریکان با این ادعا موافق است.

به ندرت در این نوع حرفه، شاه شواهد جرم در صحنه جنایت باقی می‌ماند. می‌تواند چیزی که عمدتاً می‌ماند، قضای آن اغلب به معنی امکان نشان کردن این مسئله از منابع اطلاعاتی خواهد بود که در سلسله مراتب تروریستی کلاماً جای گرفته‌اند، و احتمالاً تعداد آنها زیاد می‌تواند. اما معمولاً نشان ندانن شکس العمل، به عنوان ضعیف تلقی می‌شود که در این صورت، حلات بیشتر و سجنانه‌تر خواهد شد.

حامیان تروریسم بین‌الملل از چند لحاظ تشنه به کودکی استند که درصحنه با روش آزمایش و خطا، بهفهمند که چگونه می‌توانند بزرگوارها را خشمگین و تحریک نمایند تا مورد تنبیه قرار گیرند.
 اگر حلات تروریسم بین‌المللی افزایش یابد، مقابله به مثل باحیانت کارشناسان از این حلات و انتقام‌جویی در روش طبیعی است. همانطور که زمانی در قریب، زرتار جورج گریباس، رهبر یا تجربه سازمان ملتی جنگجویان قریب، گفته است: "برای گرفتن یک موش، باید از یک گربه

استفاده کرد. نه از یک تاکتیک (یا یک کار هوابه‌پایه) ولی مستند است که شورای عالی از این گریز در آن اختیار نداشته باشد. به این معنی که توانایی اقدام پنهانی و ناگهانی، با اقدامات مؤثره و دانشمندانه باشند.

چند تا علایم مهم در این باره: بعضی موارد، اقدامات سیاسی سنجیده است تا محدودین سبقت‌تأمین باشد. در واقع، تجربه‌های اقتصادی تا اندازه‌ای می‌تواند مؤثر باشد. ولی این فلفله‌ها صورتی امکان‌پذیر است که بین تصمیم‌گیرنده، غرضی در این مورد موافقتی صورت نپذیرد در غیر این صورت. هر گشتی با دیگر هاد، مقابله به مثل شکل اقدام نظامی (استفاده) به خود می‌بخشد. چنین نصیحتی طرفدارانی را در باره احتمال دارد مردم می‌گناه کشند. نمونه‌ها طرفه‌ها که نظامی می‌کند، به خاطر ایجاد یک موفقت تازه و خطرناک مورد سرزنش قرار خواهد شد. این مسئله آنرا به‌کارگیری اسرائیلیا شده است. آنها همیشه امید است که در عملیات پنهانی، دست به حملات هوایی شدید می‌زنند و در مواقعی حتی با استفاده مورد غرض قرار داده اند.

حیثیت این مسئله برای ایالات متحده پس از آن حد غلبه لیبی در ماه آوریل سال ۱۹۸۶ یکس امدان آن دسته که دست به اقدام نظامی جویانه می‌زنند، مهاجم نامیده می‌شوند و اقدام آنها نشانی‌های سیاسی فراوان و هشدارهای شدید را سبب می‌شود.

مجموعی در سالی است. به چنین اقدامی نخواهد زد مگر اینکه دلیل خوبی برای این عقیده وجود داشته باشد که راه حل انتخابی نتایج منفی در بر خواهد داشت و یا عقیده عموم در داخل کشور به حدی طرفدار اقدام نظامی جویانه باشد که ناپدید کردن این طرفداران به صلاح نباشد.

این مسئله به خصوص در مورد یک بار قدرت که انجام اقدام از راه پنهان برایش شگفت‌کننده از یک کشور معمولی است. در این مورد، یک بار قدرت است. در این باره، سیاست بودنی بیشتر است. هر اقدامی که یک قدرت بزرگ انجام می‌دهد، مهم است و ممکن است یک حادثه محلی را به یک منازعه بین‌المللی تبدیل کند. بنابراین، مهم است که سیاست‌سازان و تحلیلگران پیروی شود. تروویسم ممکن است از جمله ابزار و اثبات یا فراتر نگذارد، ولی اگر از این حد گذشته، به کارگیری بکاربرد و محدود نیروی نظامی، احتمالاً برای دافن درسی به تروویسم می‌تواند است.

در جهان متشنج، کمابیش به بزرگ جلوه دادن عقیده تروویسم وجود دارد. درست است که جامعه در مقابل همه آسیب‌پذیر است، ولی به طرز خارق‌العاده‌ای نیز خاصیت پاراکسیت به حالت اول خود را دارد. البته تروویسم در سدهای زیادی ایجاد می‌کند، ولی تاکنون نتوانسته برانگیزد. اسناد ارتباط جنسی ما یا دور جنگجویان «پدو» هستند که توسط لاریس غرستان اینگونه توصیف شده است:

«جنگجویانی قوی بودند اما اشتباه آنها اشتباهشان به این بود که خطر سلاح‌های مختلف به تناسب سدهایی است که ایجاد می‌کنند»

ولی اگر تروویسم در مرحله آژار و ایت‌بگرفته و درسی که بیکار آورده شده، برای تروویسم حاکمانی نباشد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ از لحاظ نظری، حاصیان تروویسم اجازه نخواهند داد این مسئله پیش از حد برود و وقتی این عده موفق شده اند ابرمدونی را بر سر یک و شمشیر نامیده، سیاسی دردم می‌برند و آنها در یک رویا رویی با کنشوری بسیار قدرتمند محکوم به فنا منتظرند که محاسبه چنین اقدامی اشتباه می‌تواند حاصیان تروویسم را به انجام چنین اقدامی راسخ خود، ولی حیثیت نمی‌تواند انتظار یک رویارویی نظامی از جانب تروویسم داشت. در این صورت است که آسیب‌پذیران از تروویسم دولتی باید اقدام نمایند. این عده می‌توانند با دیگر هادها را بکار گیرند که این خود در یک سیاست مستقیم‌کننده کنار شکل و عوام می‌نمایشند و می‌تواند با یا استفاده از نیروی نظامی، به عملیات متحرک تروویسمی متقابل، خبره وارد آورند.

فرجال حاضر، اکثر طرف تروویسمی وجود دارد. آن خطری

نست که معمولاً مطرح است، بلکه خطر نابودی اجناسات از درون است. خطر واقعی، خطر تحریک تروویسمی است که بسیار فراتر از محدوده‌های مشخص تروویسم و دستروویسم است. کم کردن این خطر، بدون شناسایی ضروری، امکان‌پذیر نیست. به زبان دیگر، تروویسم مسک است به خودی خود مسئله بسیار مهم است. ولی مدل بسیارهای جزئی، در صورتی که مورد غفلت قرار گیرد می‌تواند نتایج نامطلوب و حتی خطرناکی داشته باشد.



در نمونه از طرز «فکر» پیرامون نحوه برخورد با مسئله تروویسم را ملاحظه کنید. پیرون دیدگاه اول، اساس

*** برسر یک تعریف مشخص از تروویسم توافق وجود ندارد و شواهدی هم درست نیست که نشان دهد در آینده زندگی رسلق به چنین توافقی امکان‌پذیر است.**

بخرود با مسئله تروویسم را اقدامات قانونی و حقوقی می‌تواند پیشرفت کند که قوانین و دستکهای قضایی ایجاد می‌کند. مشخصاً مانند ما دیده شده، عقیده کشند البته حیثیت معتقدان که «تروویسم از نمی توان پیشه کن ساخته، اما می‌تواند مانند آن را نتایج کنترل نابود و یا حداقل با آن کنار آنها ادامه می‌دهند. این تروویسم را می‌تواند است. اما معتقدان که اقدام قانونی، در پیشه کن شرایط از دست رفتن به اقدامات نظامی جویانه بهتر است. برخی از کارشناسان حقوقی، قوانین رابطه، نقلی دادگتاری و قضات تروویسمی دیدند مجازت تروویسم را نقض اساسی می‌کنند. این دیدگاه را از جمله‌های سیاسی آن بررسی می‌کنند. البته اینان هر دو هستند.

*** برای هر دو تحت اشغال زندگی می‌کنند، هدف کشوری درگیر جنگ، تقریباً همه چیز را توجیه می‌کند.**

پیرون نظریه خود که در دولت ریگان وقوف مجریه آمریکا در اکثریت هستند، معتقدان که در اقدام تروویسمی را پس از اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی، باید با اقدام نظامی جویانه مناسب پاسخ داد. این اقدام باید قاطع و با اقتدار کافی «دیگوبیا و عبرت آموزه باشد»

آنها معتقدند که ابتدا می‌باید با استفاده از دیگر هاد کاملاً آموزش دیده به مرکز ستاد فرماندهی تروویسمی حمله کرد و آنها را از میان برد. در صورتی که این عملیات ناموفق بود، آنگاه دست به اقدام نظامی گسترده زد. نمونه‌ها این است احتمال نیز انجام شده است که در برهه تری اینها و البته ناموفق‌ترین، بنسب گذاری در مقابل مسجد امام رضا (ع) در پیرو تروویسمی بود که واحد نظامی شد. تروویسم

شورای امنیت ملی آمریکا مستولت آن را تلو به‌تاریخ کرده است. به هر حال، دیدگاه تروویسمی یک دیدگاه عوام‌پس و گسترش است و این امر رسیده‌ای برای اعمال فشار و آزارهای سیاسی و دیگر، تقسیم زیرهای حاکم شده است. به عبارت دیگر، کشورهای که در عمل از این سوخت، انقلابی حمایت می‌کنند، بنا هدف اعمال تروویسم کرده قرار دارند. با در این صورت، متعلق آن است که حداقل از یک جنبه عملی متعلق حقوقی در این باره مسئله حاکم کرد.

به عبارت دیگر، ارائه تعریفی قانونی از تروویسم تروویسمی می‌تواند بسیاری از مسائل را حل کند. شرط این که تعریف با عدالت حقوقی متعلق و مستانی بین‌المللی داشته باشد. این تعریف، علاوه بر رفتار افراد حقوقی خصوصی می‌باید رفتار و راهبره افراد حقوقی عمومی (و بلاصاح نحوه عملکرد دولت‌ها) را نیز تحت شایسته ساختار حقوقی قرار دهد. این امر در نهایت متضمن موفقیت است.

۱. این چارچوب فرضاً عملکرد دولت آمریکا را نیز تحت قضاوت حقوقی صرف قرار می‌دهد. در این حال قطعاً به عنوان مثال، حمله آمریکا به لیبی در آوریل سال ۱۹۸۶ اقدامی تروویسمی محسوب می‌شود و به همین جهت واکنش دولتمایان آن در چارچوب قواعد صلاح مشروع قرار می‌گیرد.

۲. عملکرد افراد حقوقی خصوصی، صرفاً از تابعیت آنها نیز در چارچوب آن تعریف می‌شود. موردی برای افراد حقوقی و دولت این امری است که دول مستول و انقلابی کمتر از این سندهم خواهند بود.

۳. اما دست یافتن به این تعریف بسیار بعدی می‌نماید و به همین دلیل، اقدامات می‌تواند گشت تا زمانی که ریشه‌های بی‌عقلی در نظام بین‌المللی از میان نرفته است. دیدگاهی که تعریف آن را تروویسم می‌نامند و معانی مختلفه برخی از نمونه‌های آن را در عمل انقلابی می‌شناسند، همچنان به وقوع می‌انجامد. پیروست، قربانیان جدیدی خواهد گرفت که احتمالاً تعدادی از آنها می‌تواند خواهد بود، و واکنش‌های سیاسی-اقتصادی و حتی نظامی به همراه خواهد داشت.

۴. یک اقدام حقوقی هسانگ در این زمینه مطلوب است، اما در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. زیرا لغزش‌های سیاسی، فوق راست در آمریکا اگر اکنون حاکماند، از یک بحران بین‌المللی نفعی می‌کنند که تروویسمی از آن است. این که غریب، عدالت و امنیت را صرفاً برای خود می‌خواهند، نه متعلق است. به علاوه است و نه تحت فشار، تمامی احاد بشری، صرفاً از رنگ پوست، جنس‌های تولد، نوع سخنان گفتن، اتنولوژی و اصول تمدن خود می‌باید در عدالت و امنیت زندگی کنند. وظایف حاکم در هر بین‌المللی است. را صرفاً برای خود نخواهد. زیرا عدالت مفهومی عام و جهان‌شمول است که هرگز نمی‌توان بخش‌های از آن را برای خود به برگزید.

۵. در سده است. این عده، کفه ترازو سنده که بنگاه‌ها، تبلیغاتی در منابع رسمی حکومت‌های غربی بران تأکید می‌کنند و جریبی بسیاری پیرامون آن بران انداخته است. مورد استفاده قرار گرفته است؛ این امر عاقلانه‌ترین مفهوم تروویسم است. جنبه عملیاتی از عملیات با تأکید می‌کنند زیرا بسیاری از معانی مختلف دولتی‌های سلطه‌طلب انجام شده است. بیانا جایگاه و رویه در اقدام انقلابی و از دیدن مطن جهت مستم داشته و خواهد بود.

۶. بعضی از نقل قول‌ها در این قسمت از یک گزارش گردآوری شده توسط وزارت ارشاد اسلامی، تحت عنوان تروویسم، گرفته شده است.